

## محمدحسین نائینی قوای مقوم استبداد

منبع :

ایران نامه

[http://fis-iran.org/index.php/xxiii3\\_4/picks-nacini](http://fis-iran.org/index.php/xxiii3_4/picks-nacini)

<http://www.irannameh.org>

در ارتباط دین و دولت از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ستیز بین خواستاران مدرنیته و هواداران سنت بیش از یک سده در کانون نظر میان رهبران و مفسران شیعی در باب ارتباط بین دین و دولت و امکان و کیفیت سازگاری بین این دو از آستانه انقلاب مشروطیت تا کنون در ایران ادام داشته است . در جریان انقلاب مشروطه رهبران روحانی به دودسته تقسیم شدند و رویاروی یکدیگر قرار گرفتند. گروهی، از آن جمله محمد حسین نائینی، به دفاع از مشروطه برخاستند و از همخوانی آن با روح اسلام سخن گفتند و گروهی دیگر، از آن میان شیخ فضل الله نوری، جانب استبداد را گرفتند و مشروطیت را مغایر مبانی اسلامی شمردند. در پی استقرار جمهوری اسلامی نیز بحثی مشابه که هنوز ادامه دارد، بین روحانیان و مفسران در باب سازگاری دین و دموکراسی آغاز شد. اگرچه در دهه آغازین قرن بیستم دعوی امکان پذیری دموکراسی در جامعه اسلامی در تکیه بر قرآن و احادیث صورت می گرفت، در دوران اخیر شیوه های تفکر غربی هم از سوی بنیادگرایان و هم از سوی هواداران دموکراسی در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. این روش تازه نشانه پیدایش نهضت های تازه بنیادگرایی نوین اسلامی و آزادیخواهی نوین دینی در دو دهه اخیر است. در این بخش چکیده راء میرزا محمدحسین نائینی در رد استبداد دینی آمده است.

\*\*\*

### محمد حسین نائینی

#### قوای مقوم استبداد\*

قوة نگاهدار استبداد هفت چیز است: 1. جهل ملت به وظائف و حقوق عمومی؛ مردمی که گرفتار تاریکی و جهل اند چاه و پرتگاه را راه، و ذلت را عزت و ظلم را خدمت می پندارند، و از اشباح جماد و انسان می هراسند و آنها را به جای مبدء لایزال قدرت پرستش می کنند. چنان که دزدان و راهزنان و درندگان در زیر پرده تاریک شب به راهزنی و شکار بر می خیزند، دزدان و درندگان اعراض و نوامیس عمومی و راهزنان دین و شرافت هم در زیر پرده تاریک جهل عمومی در دل ها هراس ایجاد می کنند و با اشتباه کاری و دین سازی برای مردم، به راه زنی و غارتگری می پردازند. 2. از قوای پاسدار استبداد، شعبه استبداد دینی است. کار این شعبه این است که مطالب و سخنانی از دین یاد گرفته و ظاهر خود را آن طور که جالب عوام ساده باشد می آریند و مردمی را که از اصول و مبانی دین بی خبرند، و به اساس دعوت پیمبران گرام آشنائی ندارند می فریبند و مطیع خود می سازند و با این روش فریبنده به نام عمخواری دین و نگهداری آئین، ظل الشیطان را بر سر عموم می گسترانند و در زیر این سایه شوم جهل و ذلت مردم را نگاه می دارند. این دسته چون با عواطف پاک مردم سرو کار دارند و در پشت سنگر محکم دین نشسته اند خطرشان بیشتر و دفعشان دشوار تر است. این شعبه با شعبه استبداد سیاسی در صورت جدا و از جهت و چگونگی عمل مشترک است. هر دو در صرف قوای مالی و معنوی مردم برای حفظ شهوات شخص می کوشند؛ آن شعبه مردمان فرومایه و سفیه را به درجات و مقامات دولتی بالا می برد و دانشمندان و خیرخواهان را ذلیل و زبردست می گرداند. این شعبه از عوام در لباس دین ترویج می کند و علماء آشناء به اصول و مبانی و مجاهد را به گوشه گیری و انزوا سوق \_\_\_\_\_ \* تنبیه الامه و تنزیه الملّه، با حواشی سید محمود طالقانی، تهران، چاپ سوم، 1334. می دهد، و به بهانه طرفداری توحید متولیان بتکده و ترویج کنندگان بت پرستی اند. به نص آیات قرآن اطاعت از اینان شرک به ذات اقدس الهی است. . . و در سخنان ائمه هدی علائم و صفات و خطرشان بیان شده است. در تاریخ اسلام نخست معاویه برای درهم

شکستن نیروی حق و فضیلت و محو اصول اسلام، به رسمیت دادن این شعبه قیام نمود. جمعی از دنیا پرستان را که چند روزی محضر رسول گرامی(ص) را درک کرده و چند حدیث شنیده و در نظر عوام مرجع دین بودند با خود همدست نمودند و به تأویل آیات و جعل اخبار واغواء خلق مشغول شدند و ریشه درخت زقوم حکومت بنی امیه را برای همیشه محکم ساختند. این دسته بی پروا و آشکارا حق را ضعیف نمودند. دسته دیگری بودند که نهانی از معاویه کمک می جستند و به منفی بافی و اظهار شک و تردید و زهد فروشی مردم را در یاری حق دو دل و سست کردند! مرور زمان و تبلیغات و تلقین های دستگاههای استبداد چنان ریشه و فروع این دوشعبه را به هم پیچیده و تقویت نموده، که پاره ای ساده لوح و بی خبر از تعالیم اسلام قیام و اقدام در برابر این شعب شوم را قیام به ضرر دین می پندارند و سکوت و نمجمج را از علائم قدس و دینداری می شمارند! 3. نفوذ دادن پرستش شاه است، زیرا ظهور استعدادهاي علمي و عملي در عموم به وسیله امید به امتیازات و تشویق های نوعی می باشد، آنگاه که عنوان پرستش در اجتماع وسیله امتیاز و رسیدن به مقامات گردید، مردمان پست و بت تراشی که در فن تملق و تظاهر به اطاعت و عبودیت ماهر تر از دیگران باشند بیشتر می توانند به مقامات برسند و بر مردم سلطه یابند و این موجب از میان رفتن امتیازات معنوی و در نتیجه جهل و ذلت عمومی است. در چنین اجتماع منحطی چه بسا علم و فضیلت موجب عقب ماندگی و محرومیت است، چنین ملتی در چنگال بیگانگان شکار و در برابر دنیا و تاریخ شرمسارند. کار به آنجا می رسد که طرفداران دین هم با توجه و بدون توجه به دستگاه بت تراشی کمک می نمایند با آنکه با اصول دعوت پیمبران و ضرورت دین مخالف است. . . هرچه اصل دعوت پیمبران که خدا پرستی است افراد را در علم و اخلاق نیرومند و در روحیه عزیز و مستقل می کردند، بت پرستی مردم را به جهل و پستی و ناتوانی سوق می دهد، چنان که متولیان بتکده ها بت ها را می آراستند و کرامت ها برای این موجودات بی روح می ساختند تا مردم را بفریبند و مقهور سازند. . . این وارثین قرون تاریک هم تا می توانند با مداحی و تملق در مردم ایجاد وهم می نمایند، و مرکز اتکاء خود را محکم می سازند. اینها دیوار دورویی هستند که سمت داخل آن دروغ و فریبکاری و وحشت و اضطراب و بدبینی است و سمت بیرون درندگی و خونخواری و چپاول است. این بت تراشان میان زمامدار و ملت فاصله ایجاد می کنند و سیاه را سفید و سفید را سیاه می نمایند، به طوریکه تفاهم بین ملت و زمامدار قطع می شود. اگر مردم از گرسنگی فریاد کشند اینها می گویند جمعیت اخلاص گزند، اگر از ظلم بنالند می نمایند که می خواهند احساسات را برعلیه سلطان و دین تحریک کنند. در نتیجه شیرازه روابط و حسن تفاهم را از هم می پاشند و همه را به سراشیب فنا می کشانند. امیرالمؤمنین علیه السلام زمامداران اسلام را از این دسته مردم برحذر داشته و اوصافشان را آنطور که هستند بیان فرموده اند. 4. از قوائی که نگهدار استبداد است اختلافات دینی و سیاسی و طبقاتی است که ایادی استبداد بدین وسیله مردم را از هم جدا و نیروهای ملت و اجتماع را مصرف یکدیگر می سازد و به این وسیله سلطه قاهرانه خود را نگه می دارند. این قوه منفی گرچه از آثار و نتایج قوای دیگر استبداد است ولی خود برای ابقاء و دوام استبداد علت مؤثر می باشد. درجات تفرقه حزبی و دینی در میان هرملت میزان سنجش نفوذ استبداد است، به این جهت در زبان قرآن و اخبار، استبداد و انقراض ملل را مستند بهمین دانسته اند. 5. قوه قهر و ایجاد وحشت و زجر است که از قدیم خود سران خون خوار نسبت به بزرگان و احرار اعمال می نمودند. خطوط برجسته خون پیمبران گرام و بینوایان عالیمقام در صفحه روزگار در برابر چشم نمایان است که با هیچ پرده پوشیدنی و با هیچ وسیله محو شدنی نیست. این اعمالی که تاریخ بشریت را شرمسار نموده برای کندن ریشه آزادی و آزادگان و سلطه کامل جباران بوده. هراندازه ملل بیدارتر و پایداری آشکارتر گردد جنون خونخواری مستبدین بیشتر و آثار اضطراب آنان ظاهر تر می گردد. 6. از نهبانان استبداد فردی استبداد طبقاتی استو آن دسته از سرمایه داران و ملاکین و اشرافی که خوی طبقاتی طبیعت ثانوی در مزاج روحشان شده است و ستمگری و استثمار دیگران را حق ارثی و طبیعی خود می پندارند، با تمام قوائی که در دست دارند مستبد را پرورش می دهند و تقویت می کنند. اینها شاخه ها و فروع استبدادند- گرچه از جهت دیگر ریشه های محکم استبدادند- تا آنجا با افکار و آراء توده های مردم همراه و کمک کارند که منافع و نفوذ خود را نگهدارند. آنگاه که خطری برای زندگی اشرافی و چپاولگری خود احساس نمودند، صلاح دیگران و آیندگان کشور و شرافت و عزت را زیر پا می گذارند و بالای لاشه بیچارگان تخت و بارگاه بت های خود را با رنگ آمیزی تازه سرپا می دارند. 7. از اسباب و قوای بقاء استبداد، به دست گرفتن و غصب نمودن سر رشته اموال عمومی و نیروی سپاهی است. به وسیله انتخاب فرماندهان از مردمان پست بی شرافت و طرفدار منافع بیگانگان، قوای سپاه و اموال را برای زبونی ملت و غارت مردم مصرف می نمایند و سران ابلات و عشائر را برای سرکوبی ملت مجهز می سازند .

[December, 2007 06:42 PM 2 ]

*History Site of Mirhadi hoseini*